

## گوتیک در رمان بیوه کشی نوشته یوسف علیخانی

معصومه زارع کهن<sup>۱</sup>

آذر دانشگر<sup>۲</sup>

### چکیده

گوتیک ژانری از ادبیات است؛ که از ترکیب وحشت و مضامین عاشقانه شکل گرفته است. واژه گوتیک ابتدا در معماری قرن هجدهم میلادی بکاررفته است. سپس این ژانر آهسته آهسته وارد ادبیات شد. و داستان هایی را که سرشار از مضامین پررمز و راز و نوعی ابهام همراه با وحشت بودند، در بر گرفت. در این ژانر ادبی توصیف ساختمان های بلند به سبک گوتیک، قلعه ها، صومعه ها و بناهای قدیمی و مخروبه نقش زیادی در القای ترس و وحشت به مخاطب را دارند. ادبیات گوتیک پیش زمینه آغاز سبک رمانتیسزم در اروپا بوده است و گوتیک را احیا کننده این سبک و شاخه ای از مکتب پیش رمانتیسزم می دانند. در این مقاله سعی بر آنست تا به بررسی ژانر گوتیک در رمان بیوه کشی نوشته یوسف علیخانی پرداخته شود. و همچنین به واکاوی مؤلفه های گوتیک از جمله: مکان و زمان داستان، شخصیت، پیرنگ و رنگ و فضا در این رمان اشاره خواهد شد.

**کلیدواژه:** گوتیک، وحشت، مؤلفه های گوتیک، بیوه کشی، یوسف علیخانی

### مقدمه

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی کرج،

ایران. email:masoume.zare1980@gmail.com

<sup>۲</sup>. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد کرج، دانشگاه

آزاد اسلامی، کرج، ایران. email:a.daneshgar2015@gmail.com

اصطلاح گوتیک اولین بار در معماری مورد استفاده قرار گرفت. ساختمان های سنگی با قوس های تیزدار و پنجره های کوچک که کمتر نور داخل ساختمان می رفت و سردابه های تنگ و تاریک و مرموز؛ که به معماری گوتیک معروف بودند. واژه گوتیک صفتی است که به شکل ضمنی به تعلق چیزی به قوم «گوت» اشاره دارد. قوم گوت، آن گونه که مصطلح است، قومی ژرمنی بودند که به تدریج از شمال اروپا به سمت شرق و جنوب مهاجرت کردند و در نخستین سال های میلادی در ساحل جنوبی دریای بالتیک در شرق رود «ویستول» سکونت داشتند. (مارگو، ۱۳۸۴: ۸) آداب و رسوم این اقوام با تمدن کلاسیک یونانی رومی در جنوب تفاوت بسار داشت. از دید جنوبی ها گوت ها کاملاً وحشی و بی تمدن بودند. (فیشر، ۱۳۸۷: ۳۹) این واژه رفته رفته به معنی آنچه دارای ویژگی های قرون وسطی است به کار رفت. هوراس والپول نویسنده انگلیسی در سال ۱۷۶۴ میلادی با الهام از محیط این گونه قلعه ها و قصرها داستانی به نام قلعه اُترانتو نوشت. این داستان آغازگر نوع خاصی از داستان شد که بعدها رمان گوتیک از آن تولد یافت. (داد، ۱۳۸۲: ۲۵۱-۲۵۰) اُترانتو، اولین رمانه عاشقانه گوتیک است که توسط والپول در استرایی هیل عمارتی به سبک گوتیک نگاشته شده است. گوتیک را آغازگر مکتب رمانتیسیم در اروپا می دانند. مکتب رمانتیسیم ادبی مابین سال های ۱۸۴۸ تا ۱۷۷۰ میلادی پدیدار گشت و اگر پیش از این ایام این لفظ استعمال می شد کسی به عنوان مکتب از آن تلقی نداشت. برخی دوران پیش از ۱۷۷۰ را دوران پیش رمانتیسیم نامیده اند. (ثروت، ۱۳۸۲: ۴۱) بدان معنا که گوتیک جان تازه ای برای پیدایش رمانتیسیم بود. بعد از ورود گوتیک در ادبیات داستانی، این ژانر ادبی مخاطبان فراوانی یافت. ترس و وحشت، وجود اماکن سرد و بی روح، کاخ ها و قصرها و دخمه ها و همچنین توهم و خیال همراه با عشق، از مؤلفه های گوتیک بشمار می آمد. گوتیک تحول بزرگی در اندیشه جامعه اروپا که دچار زوال شده بود بوجود آورد. نوشتار حاضر به بررسی گوتیک و مؤلفه های آن در رمان بیوه کشی نوشته یوسف علیخانی پرداخته است.

### پیشینه تحقیق

گوتیک یا رمان سیاه شاید در ادبیات ایران کمی ناشناخته باشد، اما رمان های بسیاری در ایران وجود دارد که در این ژانر نگاشته شده اند بیشتر مقالات در این حوزه یا درباره معماری گوتیک و یا درباره رمان های اروپایی و آمریکایی نگاشته شده است. از جمله: مقاله «بررسی گوتیک در ادبیات داستانی» نوشته محمدرضا نصرافهانی و همکار (۱۳۹۱) مؤلفان این مقاله بیشتر سعی در معرفی گوتیک و

مؤلفه های آن در کنار بررسی چند داستان کوتاه غربی و ایرانی دارند. مقاله «مشخصه های ادبیات گوتیک در ملکوت بهرام صادقی» نوشته عبدالله حسن زاده میرعلی (۱۳۹۳) این مقاله به بررسی مشخصه های مهم گوتیک از جمله: ترس و وحشت و القای آن به مخاطب در داستان ملکوت صادقی پرداخته است. مقاله «بررسی مفهوم گوتیک در آثار نویسندگان و نمایشنامه نویسان قرن نوزدهم» نوشته آرش صادق بیگی و همکار (۱۳۹۱) نویسندگان این مقاله معتقدند درباره ساختار و مفهوم گوتیک، مخصوصاً در ادبیات نمایشی کار تحقیقی صورت نگرفته است و از این رو سعی آنها بررسی گوتیک در نمایش نامه نویسان قرن نوزدهم است. همان گونه که ذکر شد گوتیک ابتدا در معماری مورد بررسی قرار گرفت به همین دلیل امروزه هم بسیاری از مقالات این ژانر مربوط به دانشجویان معماری و هنر می باشد.

### روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله بر پایه مطالعات نظری و کتابخانه ای صورت گرفته است. مؤلف در این مقاله پس از بررسی این ژانر ادبی و مؤلفه های آن به بررسی این ژانر در رمان های فارسی پرداخته است. و سپس مؤلفه های گوتیک، با رمان بیوه کشی یوسف علیخانی مطابقت داده شده است.

### آشنایی با یوسف علیخانی و رمان بیوه کشی

یوسف علیخانی متولد فروردین ماه ۱۳۵۴ در روستای میلک الموت قزوین است. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در روستای زادگاهش به قزوین رفت و پس از اتمام دوره متوسطه برای ادامه تحصیل راهی تهران شد. وی در رشته زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۷ فارغ التحصیل شد. از آثار وی می توان به: مجموعه داستان ها شامل: قدم بخیر مادر بزرگ من بود (۱۳۸۲)، اژدها کشان (۱۳۸۶)؛ عروس بید (۱۳۸۸) و رمان بیوه کشی (۱۳۹۴) که نامزد نهایی جایزه قلم زرین سال شده است. و همچنین بسیاری از آثار وی که در زمینه ادبیات نگاشته شده است. وی در کنار پژوهش و نویسندگی مدیر نشر آموت نیز می باشد. رمان بیوه کشی نخستین رمان علیخانی است که جامعه روستایی را به تصویر می کشد. نویسنده گویی در پی بازخوانش قصه ای فلکلور است. که واقعیت و خیال را در هم آمیخته است. رمان از زاویه دید سوم شخص و دانای کل روایت می شود درون مایه داستان را می توان عشقی پاک دانست. عشق خوابیده خانم به بزرگ. مکان اصلی داستان در روستای میلک همان روستای زادگاه نویسنده است. زمان اصلی داستان مشخص نیست که در چه دوره تاریخی رخ داده است. رمان درباره زندگی و عشق دختری به نام «خوابیده خانم» است. «بزرگ» پسر

حضرتقلی گالشی روستا است. روزی در سرچشمه وقتی خوابیده خانم برای پرکردن کوزه آب رفته بود عاشق او می شود. و این در حالی است که پسرخاله خوابیده «اژدر» دل در گرو عشق او سپرده بود. خوابیده زن بزرگ پسر گالشی روستا می شود و دختری به دنیا می آورد. اژدر از چشم ها پنهان می شود. در یک روز پاییزی وقتی بزرگ به همراه گوسفندان به اژدر چشمه می رود توسط چشمه بلعیده می شود و فقط آب، خون آلود می شود و جنازه ای یافت نمی شود. خوابیده، به اجبار و سنت، زن برادر کوچک تر بزرگ می شود. او نیز سرنوشتی چون برادرش دارد. همچنین یک یک برادران بزرگ سرنوشت او را دارند. و بعد از مرگ هر برادر، خوابیده زن برادر بعدی می شود. تا کوچک برادر آخری بزرگ نیز توسط چشمه بلعیده می شود. بعد از مرگ همه برادران «فکری توی سرش جرقه باران شد: خودم خفه اش بکنم.» (علیخانی، ۱۳۹۵: ۲۹۲) تا در انتهای قصه «اژدر» که عامل قتل هفت برادر است توسط خوابیده خانم کشته می شود.

### بحث و بررسی

ادبیات گوتیک شاخه ای از مکتب رمانتیسم یا پیش رمانتیسم است؛ به این ترتیب می توان گفت که ادبیات گوتیک پیش زمینه و ریشه ای برای آغاز ادبیات رمانتیک بود. آنچه در قرن هجدهم در اروپا به نام ادبیات رمانتیک آغاز شد، به نوعی احیا و جنبش ادبیات گوتیک بود. (نصراصفهانی و همکار، ۱۳۹۱: ۱۶۲) در دهه ۱۷۹۰، که والهول نویسنده کتاب اترانتو، درگذشت؛ این شیوه در سرتاسر بریتانیا، قاره اروپا، و کمی هم در ایالات متحده نوین، خصوصاً برای طیف مؤنث خوانندگان، رواجی آن چنان گسترده یافت که در طی آن چه ما کماکان دوره رمانتیک اروپا می نامیم (از دهه ۱۷۹۰ میلادی تا ۱۸۱۸ میلادی) به یک مدادبی، جنجال و محبوبیت بدل شد. دوره ای که امروزه اختصاصاً با عنوان عصرفرانکشتین مری شلی شهرت یافته است. (هاگل، ۱۳۸۴: ۷) مقدادی در این باره می گوید: پیشرفت های حاصل شده در رمان، به عنوان نوع ادبی فراگیر، این فرصت را به نویسندگان می داد که از طریق سه عنصرفضای تیره و تار، وقایع مرموز و موحش، و نیز حالات روانی نابه هنجار در شخصیت پردازی، داستان خود را در زمان حال پی افکنند. (مقدادی، ۱۳۹۳: ۲۳۴) به همین دلیل گوتیک را رمان سیاه نیز می گویند. رمانی که بخشی از آن، در فضاهای تاریک و یا نیمه روشن اتفاق می افتد و القا کننده نوعی ترس جذاب است. «احساس صرف اندوه، فکر مرگ یا آرزوی عشق بخشی از مؤلفه های این آثار است.» (ولک، ۱۳۷۵: ۲۱۵) هنگامی که این مؤلفه ها با شخصیت های جادویی، وهمی و

یا انسان‌هایی شبیه مردگان خشک و بی‌روح همراه می‌شوند، احساس ترس پرننگ تر جلوه می‌کند. باتیک در این مورد می‌گوید: «اشباح، هیولاهای، عفريت‌ها، جسدها، اسکلت‌ها، اشراف زادگان، بدنهاد، راهبان و راهبگان، قهرمان‌های زن در حال غش و ضعف و رهنزان، در قالب نمودهایی یادآور تهدیدهای خیالی و واقعی به چشم انداز گوتیک محبوبیت می‌بخشند. این فهرست در سده نوزدهم با افزودن دانشمندان، پدران، شوهران، دیوانگان، جنایت‌کاران و بدل‌های دیوخوا که بر دوگانگی و ماهیت اهریمنی دلالت داشتند بلند بالاتر شد.» (باتیک، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۲) منتقدین، ترس ناشی از این داستان‌ها را به گونه‌های مختلفی بازگو می‌کنند. هاگل بر این باور است که، رمان‌های گوتیک اضطراب‌های درونی را نشان می‌دهند. این اضطراب‌های مبتذل و پیش‌پا افتاده را ناشی از موجودات شیطانی، دیو، و غول نمی‌داند بلکه آن را متأثر از تصور صحنه‌ای آشفته و هیجان‌انگیز می‌داند. (هاگل، ۱۳۸۴: ۱۴۳) برخی دیگر معتقدند داستان گوتیک پیش از ورود به متن داستان ترس را القا می‌کند و این گونه داستان‌ها را نوعی روانکاوی ترس می‌دانند. که این ترس را شامل «مجهولاتی مثل مرگ، بیگانه‌ها، قدرت آینده، جادو و حتی جاه‌طلبی‌های علم می‌باشد، دستمایه‌هایی هستند که می‌توانند محمل خوبی برای ترس باشند.» (به نقل از نصرافهانی و همکار، ۱۳۹۲: ۱۶۷) داستان‌هایی که گوتیک یا رمان سیاه نامیده می‌شوند، داستان‌هایی واقعی هستند و گاهی نیز فرا واقعی. که نقطه قوت آن‌ها در ایجاد ترس مکان‌هایی است که داستان در آنجا اتفاق می‌افتد. البته به رغم این احساسات نمایی‌ها، چیزهای زیادی از زندگی واقعی در این آثار وجود دارد. حتی ریچاردسون صریحاً از لزوم وقوع و حقیقت‌نمایی سخن می‌گوید که البته با حقیقت‌نمایی در داستان رئالیستی حوزه‌های بعد تفاوت دارد. (میرام، ۱۳۶۸: ۹۲) گاهی حد و اندازه این گونه داستان‌ها را برای داشتن مخاطبین فراوان و فقط صرفاً به علت ایجاد ترس و وحشت تا حد داستان‌های قرون وسطی تقلیل می‌دهند. و به پرننگ داستان و فراز و فرودها و کشمکش و بحران‌های ایجاد شده توجه چندانی نمی‌کنند. در حالی که چنین نیست «داستان گوتیک در فضای ترسناک از نگرانی ساده و وحشت شخصیت تا سرخوشی رمانتیک او، از دست به دست شدن او بین رؤیا و کابوس تا واقعیت، از گرایش به ملایمت و لطافت تا اعمال غریب و مضحک، از دل‌مردگی و عزلت تا تمایل به قتل، از بی‌اعتنایی تا شهوت تب‌آلود و از محو یا کم‌رنگ شدن فاصله اشیا بی‌جان و موجودات جاندار تا پیوند شگفت‌انگیز و هراس‌آلود تصاویر، صداها، رنگ‌ها در ساختارهای متقارن و غیر متقارن سخن می‌گوید تا خواننده مدام از نظر

ذهنی به این سمت و آن سمت کشیده شود و در اضطراب و آشفتگی فرایند داستان غرق شود. یعنی مسحور و مجذوب تعلیق و حوادث اسرارآمیز آن شود. (بی نیاز، ۱۳۸۲: ۲)

## انواع گوتیک در گذر زمان

استفاده از گوتیک به عنوان یک سبک ابتدا در معماری، مورد توجه قرار گرفت و شناخته شد. به جز معماری در نقاشی و مجسمه سازی (پیکر سازی) و صنعت گری نیز گوتیک مشاهده شد. شایان ذکر است مشخصه های گوتیک در سه سطح متقدم، عالی، و متأخر مورد بررسی قرار گرفت که بدین ترتیب است:

۱. گوتیک متقدم: این سبک ابتدا در معماری خود را نشان داد و ویژگی هایش قوس های تیزدار، نمایش روز افزون استخوان بندی ساختمان و مشبک کاری پنجره ها بود.
۲. گوتیک عالی: سبک گوتیک عالی سده سیزدهم، خاصه در معماری است. در این دوره معماران توانستند با تغییر نسبت ها به ارتفاع ظاهری بیشتری دست یابند. پیکرتراشی نیز از رهگذر تلفیق آرمان گرایی با جزئیات مشهود در طبیعت به توازی لحظه ای دست یافت. سده سیزدهم میلادی همچنین قرن شیشه های رنگی و تذهیب های درخشان است.
۳. گوتیک متأخر: در سده چهاردهم و پانزدهم، معماری گوتیک شروع به سبک خصوصیات بارز ملی و محلی کرد. کاهش اهمیت بلندی ساختمان وسعت و وحدت فضای داخلی و شیفتگی به امکانات تزئینی، طاق بندی های جدید در بسیاری از بناهای گوتیک متأخر به چشم می خورد. در این دوره چهره ها زنانه تر شده اند و بسیاری از پیکره های آزادی هستند که خمیدگی اغراق آمیز زیبایی مشهور به «رخوت گوتیک» را به نمایش می گذارند. (کراندل، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۶۳)

بعد از این مراحل رفته رفته گوتیک وارد ادبیات شد. همین ساختمان ها وارد رمان شدند. ساختمان های بلند و سنگی همراه با طاق های قوس دار و نوک تیز. ساختمان های تاریک و وهم آلود.

## پیدایش گوتیک در رمان های ایرانی

بعد از پیدایش رمان سیاه یا گوتیک در اروپا، بعدها مردم رمان هایی فرانکشتین و داستان های کوتاه آلن پو را گوتیک دانستند و این ژانر عمومیت یافت. رمان های سبک گوتیک رفته رفته جهانی شد و همچنین داستان نویسی نوپای ایران نیز از آن تبعیت کرد. از جمله هدایت در بوف کور، ملکوت بهرام صادقی، گیله مرد بزرگ علوی و... را می توان رمان سیاه یا گوتیک نامید. اما این ژانر به دلیل نوپا بودن داستان نویسی در ایران مورد توجه زیادی واقع نشد. مردم بعد از مشروطه سعی در تغییر سبک زندگی خود داشتند. در ایران رمان نویسان به سبب شهرنشینی کمتر سراغ این نوع رفتند دلایل این بی توجهی بی تردید چیزی بیش از این است که نویسندگان بیشتر در شهرها و خانه های امروزی ساکن بوده اند و در فرهنگ هایی پرورش یافته اند که دست کم بعد از مشروطیت، به شدت میل به تجدد و نوشتن داشته است.» (سناپور، ۱۳۸۵: ۹۹)

### مؤلفه های گوتیک

رمان سیاه یا گوتیک نیز همچون هر سبک و ژانری در داستان نویسی دارای مؤلفه های خاص خود است. از جمله عناصر داستانی که در این سبک داستان نویسی نمود بیشتری دارد شامل: شخصیت، مکان، زمان، درون مایه، پیرنگ و رنگ و فضا است.

### بررسی مؤلفه های گوتیک در رمان بیوه کشی

#### شخصیت:

شخصیت معادل واژه انگلیسی کاراکتر است ریشه کاراکتر از کلمه karassein به معنای حکاکی کردن و عمیقاً خراش دادن، گرفته شده است. در یونان کهن کلمه "کاراکتر" علاوه بر معنا و مفهومی که ارسطو برای تراژدی از آن استنباط کرده است، عبارت بود از: «طرح های مثنوی از تیپ های مختلف آدم ها که در الگوی خاصی گنجانده شده بودند.» (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۵۰) یک نویسنده در خلق شخصیت هایش کاملاً آزاد است؛ می تواند آنها را نزدیک به روزگار خود بیافریند یا آنها را دور از واقعیت با کارهایی خارق العاده خلق کند. شخصیت ها می توانند واقعی یا غیر واقعی باشند و لزومی ندارد که همه شخصیت ها مانند آدم های واقعی باشند. در داستان های واقعی نویسندگان تلاش می کنند شخصیت های داستانی شبیه انسان های واقعی باشد؛ در هر ژانر داستانی شخصیت ها دارای

روحیات و خُلقیات متفاوتی هستند. شخصیت‌ها در رمان گوتیک معمولاً دچار توهم اند. در تکمیل این توهمات مستقل و فارغ از زمان و مکان، شخصیت‌های داستان گوتیک، بازیچه اراده‌ای قرار می‌گیرند که در تارهای یأس و ترس و توهمات تنیده شده است. این اراده به شخصیت تعلق ندارد و عنصری ماورای طبیعی است که فرد نمی‌تواند خود را از دست آن و سرنوشت پر از دلهره و بی‌قراری نجات دهد. (بی‌نیاز، ۱۲۳۸۱: ۱) در آثار گوتیک شخصیت‌ها منزوی، افسرده و محکوم به شکست هستند و با تمام شرارت‌هایشان در پایان داستان شکست خورده، مغموم و ناامید هستند و معمولاً زندگیشان در گرداب گناه و بدبختی است و سرانجامشان خودکشی یا مرگی هولناک است. در همین ژانر، گونه‌ای دیگر از شخصیت‌ها، شخصیت‌هایی هستند که مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند و همین ویژگی در آنها ایجاد اضطراب، دلهره، افسردگی و کینه‌توزی کرده است؛ این شخصیت‌ها ممکن است در داستان کارهایی را انجام دهند که ایجاد ترس و وحشت کند.

### انواع شخصیت بر اساس ژانر گوتیک در رمان بیوه‌کشی

رمان بیوه‌کشی دارای شخصیت‌های فراوانی است؛ اما در این مقاله فقط به بررسی شخصیت‌هایی که به ژانر گوتیک وابسته‌اند پرداخته شده است. شخصیت‌هایی که در داستان بر اساس داستانی که روایت می‌شود، ایجاد توهم، ترس و وحشت می‌کنند. در داستان بیوه‌کشی خوابیده خانم شخصیتی است که مورد ظلم و ستم و حسادت واقع می‌شود و داستان‌های پیرامونی وی پر از اضطراب و ترس و دلهره است. «اژدر» پسرخاله خوابیده خانم، شخصیت اصلی ژانر گوتیک است که در ایجاد ترس و وحشت نقش مهمی ایفا می‌کند. هرکجا از داستان که حضور دارد ترس را همراه خود به شخصیت‌ها القا می‌کند.

**خوابیده خانم:** شخصیت اصلی داستان است. دختری که عاشق پسری به نام بزرگ است در حالیکه پسرخاله اش اژدر عاشق اوست. خوابیده دختری آرام است که تسلیم محض سرنوشت خود است. دختری که مورد ظلم و ستم افکار و عقاید و سنت حاکم بر خانواده خود قرار می‌گیرد و همین اتفاقات باعث ایجاد ترس و وحشت می‌شود و او در مکان‌هایی قرار می‌گیرد که دلهره آور است. در پایان داستان خوابیده از دختری آرام به زنی تبدیل شده که توانایی کشتن قاتل شوهر اولش «بزرگ» و شوهران دیگرش را دارد. «خوابیده چشمانش را بست و سردی چاقو را لمس کرد. اژدر رو به سیاه کوه از سوراخ درآمد... خوابیده، چاقو را توی شکمش چرخاند و بعد درآوردش... چاقو دوباره فرو رفت



توی تن اژدر... اژدر را هل داد میان سوراخی دلِ کوه. صدای سنگ ریزه ها در آمد که تشنه بودند و اژدر را با خودشان می بردند.» (علیخانی، ۱۳۹۵: ۳۰۱-۳۰۰)

**اژدر:** پسر خاله خوابیده خانم و عاشق اوست. پسری مرموز که با تمام پسران روستا فرق می کند. در تاریکی های شب ظاهر می شود. و به غیر از ایجاد ترس در شخصیت های داستان، ترس را به مخاطب داستان نیز القا می کند. به عنوان نمونه در داستان وقتی که در کوه داد می زند و بزرگ را تهدید می کند و به او گوشزد می کند که خاطر خواه خوابیده است و با تهدید به او می گوید «به قدر گلیم ات پابردار! این مال، مالی نی که تو بخواهی صاحبش بشی، صاحب داره برا خودش! صورتش را ندید اما دید که جوان قلیچماق، سیگارش را روی پوستِ تن کوه خاموش کرد و رفت سمتِ تاریکی.» (همان: ۴۳) و یا زمانی که اهالی روستا در خانه پدر خوابیده خانم گردهم آمده بودند تا گالشی روستا را تعیین کنند، وقتی اسم اژدر را می آورند پشت در، در تاریکی ظاهر می شود «تا اسم اژدر برده شد، تاریکی آمد جلوی در اتاق و اژدر سلام کرد و داخل آمد.» (همان: ۵۲) خوابیده وقتی قبل از عروسی خواب ترسناکی از اژدر می بیند «اژدر بلند بلند قهقههید و توری سفید را از بالای گردنه کوه پرت کرد پایین؛ توری پارچه ای مثل یک قابلمه صدا داد و چرخید و چرخید و رفت ته دره. اژدر پارچه گل منگلی سر قاطر را باز کرد و بست سرش. دست هایش را دراز کرد سمت خوابیده خانم. خوابیده با دست ها کشیده شد پایین. اژدر زین قاطر را برداشت و چهار دست و پا شد و زین را انداخت پشتِ خودش...» (همان: ۸۱) وقتی خوابیده و دخترها (مرمر و نگار) در خانه تنها بودند. «سیاهی در گاه را پر کرد.» اژدر برای تهدید خوابیده آمده بود. بعد از کشته شدن بزرگ، وقتی خوابیده و دخترش نیمه های شب تنها بودند، اژدر در سیاهی شب وارد اتاق شد. «سیاهی آمد داخل... احوال دختر خاله؟ خوابیده هزار فکر کرد همان لحظه. خواست داد بکشد و جمعیت را بکشد آنجا. خواست اژدر را هل بدهد بیرون...» (همان: ۱۵۰) اژدر در این رمان تا انتهای رمان در اژدر چشمه و کوه و بیابان و تاریکی قصد ترساندن و آزار و اذیت خوابیده را دارد. «آمدن و رفتن های اژدر مانند ماه گرفتگی بود؛ هر از گاهی که خیالت نبود، آسمان دلِ خوابیده سیاه می شد و باید نماز ترس می خواند.» (علیخانی، ۱۳۹۵: ۲۵۶)

در رمان بیوه کشی، اژدر نماد کاملی از سیاهی است. و خوابیده با اینکه آرام و منزوی و افسرده است اما در پایان داستان به یک قاتل مبدل می شود. در بین تمام شخصیت های این داستان اژدر در ایجاد ترس و وحشت نقش ایفا می کرده است و خوابیده خانم که در انتهای داستان متحول شد، شخصیت

های پویای داستان بودند و بقیه شخصیت‌ها، شخصیت‌های ایستایی بودند که تغییر خاصی در انتهای داستان نداشتند.

### مکان و زمان بر اساس ژانر گوتیک

زمان و مکان دو بُعد در داستان هستند که برای بیان حادثه طبیعتاً وجود آنها لازم است. هیچ داستانی را بدون زمان و مکان نمی‌توان یافت. «زمان ممکن است خیلی اندک و محدود باشد و حتی چند ثانیه را شامل شود ولی در هر حال وجود دارد. مکان ممکن است تنها یک اتاق کوچک و باریک، یک سلول یا قفس پرنده باشد، واقعی یا خیالی و غیرواقعی، در هر حال وجود دارد و برای داستان لازم است.» (کارنی، ۱۳۸۴: ۵۰) مکان در گوتیک ایرانی بر خلاف گوتیک‌های غربی که در قصرهای تاریک و سردابه‌ها و خانه‌هایی تاریک که به شکل معماری گوتیک ساخته شده‌اند اتفاق نمی‌افتد. بلکه در محل‌هایی خلوت و خارج از شهر و روستا و هیاهوی آنها در بیابان و کوه و... صورت می‌گیرد. و همچنین زمان نیز در این داستان‌ها معمولاً در شب و غروب اتفاق می‌افتد. که ایجاد ترس و دلهره را بیشتر می‌کند. زمان و مکان از مؤلفه‌های اصلی ژانر گوتیک ادبی است که بسیار در القای ترس و وحشت به خواننده کمک می‌کند.

**مکان در رمان بیوه کشی:** مکان اصلی داستان، در رمان بیوه کشی، روستای میلک حوالی الموت قزوین است. یکی از مکان‌های اصلی این داستان که مربوط به ژانر گوتیک است و بیشتر وقایع دلهره آور داستان در آنجا صورت می‌گیرد، اثر در چشمه یکی از هفت چشمه روستای میلک است که در خارج روستاست. جایی خلوت که فقط محل آبخور حیوانات و گله روستائیان است.

**اژدر چشمه:** یکی از هفت چشمه روستاست؛ که پیل آقا پدر خوابیده خانم درباره آن گفته بود: «یک اژدرماری توی اژدر چشمه عقبی رودخانه میلک هست، جدان مابگفتن که وقتی بیدار بشود، مالان ره هو برد و هرچی که بیایه دم دهان تشنه اش...» (علیخانی، ۱۳۹۵: ۲۸) که اهالی روستا بعد از کشته شدن و پیدا نشدن جنازه بزرگ و برادرانش معتقد بودند چشمه آنها را بلعیده است. خوابیده خانم سربند سفیدش را در آب خون آلود اژدر چشمه کرد و به سمت مدخل چشمه رفت «تمام صورت چشمه سرخ شده بود و...» (همان: ۱۰۴) و یا هنگامی که امان یکی از برادران بزرگ کشته شد از دل چشمه سنگ به بیرون پرت می‌شود «باور کردنش دشوار است اما خودش دید لحظه‌ای هم ایستاد و خودش

را نیشگون گرفت. خواب نبود. بیدار بود. سنگ از دل چشمه درمی آمد و می رفت هوا و می آمد و می خورد به تن بی جان و افتاده به زمینِ امان.» (علیخانی، ۱۳۹۵: ۲۸۳) مکانی خلوت، خارج از روستا با عقبه داستانی فولکلور و باوری که روستائیان دربارهٔ اژدر چشمه دارند. همگی در ایجاد ترس و اضطراب دخیل هستند.

**کوه:** روستای میلک چند کوه با نام های مختلف داشت، زردکوه، اژدر کوه، سیاه کوه، کافر کوه، قرمز کوه و... گالشی ها گوسفندان را در دامنه کوه ها به چرا می بردند. و اتفاقاتی که در داستان در محل کوه ایجاد می شود در ایجاد ژانر گوتیک تأثیرگذار است. مانند شبی که در دامنه کوه، دزد به گله زده بود. و بزرگ با صدای نی همه را باخبر کرده بود. (همان: ۷۲) کوه های بلند در شب های تاریک روستای میلک بسیار در وهم آلود کردن داستان مؤثر بوده است.

گورستان و غسلخانه نیز در رمان وجود دارد که اشارهٔ مختصری به آنها شده است. وقتی خوابیده خانم جنازه قشنگ خانم، مادر شوهرش را غسل می دهد. «توی غسلخانه و زیر پرده، قشنگ خانم را غسل می داد، نمازش را خواند و رفت.» (همان: ۲۷۹) گورستان و غسلخانه مکان هایی هستند که جزء ژانر گوتیک محسوب می شوند.

**زمان در رمان بیوه کشی:** زمان تاریخی داستان بعثت فلکلور بودن مشخص نیست. ولی داستان دارای زمان های مختلفی است و زمان هایی که مربوط به ژانر گوتیک است، بیشتر در غروب و در دل تاریکی شب است. زمان در رمان بیوه کشی به پیش زمانی، پس زمانی و هم زمانی طبقه بندی می شود. اما زمان مربوط به ژانر گوتیک، هم زمان با روایت داستان است. به عنوان نمونه در رمان بیوه کشی:

داستان با خواب های شبانه خوابیده خانم شروع می شود که با ترس از خواب می پرد و این خواب ها هفت شب ادامه داشت. «هفت شبانه روز بود خواب می دید هفت کوزه ای که به هفت چشمه می برد به جای آب، خون در آن پر می شود...» (همان: ۹) و یا ظاهر شدن اژدر در دل تاریکی شب. (همان: ۵۲) شب به علت رازآلود بودن و همچنین وهمناک بودن در القای ترس مؤثر است.

### درون مایه داستان بر اساس ژانر گوتیک در رمان بیوه کشی

درون‌مایه " موضوع " داستان نیست بلکه از موضوع داستان به دست می‌آید «درون‌مایه فکر اصلی و مسلط در هر اثری است، خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد. به بیانی دیگر، درون‌مایه را به عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند، به همین جهت است که می‌گویند، درون‌مایه‌هر اثری، - جهت‌فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد.» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۷۴) درون‌مایه در رمان سیاه یا گوتیک عاشقانه ای است که با ژانر وحشت آمیخته شده است. درون‌مایه بیشتر این داستان‌ها، به شکل غیرمستقیم، تصویری و توصیفی، بیانگر نیست انگاری و پوچ‌گرایی است. (بی‌نیاز، ۱۳۸۱: ۱) بیوه‌کشی نیزمان عاشقانه ایست که با ترس و دلهره همراه است. رمانی است که شخصیت اصلی آن خوابیده خانم یازده نفر از نزدیکان خود را از دست می‌دهد. می‌توان گفت مرگ در این رمان نقش مهمی دارد. مرگی که با خود تنهایی، وحشت و افسردگی را به همراه دارد. درون‌مایه رمان بیوه‌کشی عشقی است نافرجام که با حسادت‌های بی‌جا سبب مرگ چندین نفر می‌شود.

### پیرنگ داستان بر اساس ژانر گوتیک در رمان بیوه‌کشی

پیرنگ شالوده اصلی و بنیاد داستان است. اجزای داستان با هم رابطه علت و معلولی دارند. پیرنگ و مؤلفه‌های آن ساختمان اصلی داستان را تشکیل می‌دهند. چرایی داستان همان پیرنگ داستان است. فوستر می‌گوید: «طرح (پیرنگ) نقل حوادث است با تکیه بر موجودیت و روابط علت و معلول. در داستان می‌گوئیم: خوب بعد چه شد؟ و اگر طرح باشد می‌پرسیم: چرا؟ (فوستر، ۱۳۸۴: ۱۱۸) همچنین پیرنگ اصلی ادبیات گوتیک شامل تعقیب شیرانه گناهکاران و بی‌گناهان به منظور کسب قدرت، پول، ارضای شهوت و گاهی اوقات چیرگی بر دیگران است. (فیشر، ۱۳۸۷: ۴۰) مؤلفه‌های پیرنگ شامل: آغاز، کشمکش، بحران، اوج، حل و فصل، و پایان است.

در رمان بیوه‌کشی تمام مؤلفه‌های پیرنگ شامل ژانر گوتیک یا رمان سیاه می‌شود. آغاز داستان با خواب ترسناک خوابیده خانم شروع می‌شود. خوابیده خانم با اژدر در کشمکش است، اژدر خاطر خوابیده را می‌خواهد اما بزرگ و خوابیده عاشق هم هستند. بحران داستان زمانی است که خوابیده با بزرگ ازدواج می‌کند. اوج داستان بلعیده شدن بزرگ توسط اژدر چشمه (کشته شدن بزرگ توسط اژدر) و همچنین کشته شدن شش برادر دیگر بزرگ، حل و فصل و پایان داستان زمانی است که خوابیده خانم تصمیم گرفته است انتقام بزرگ و برادرانش را از اژدر بگیرد و به اژدر چشمه می‌رود و

او را به قتل می‌رساند. در تمام مراحل اصلی داستان ترس و وحشت نهفته است. ترسی که ناشی از اعمال ناشایست اژدر در انتقام از بزرگ به خواننده القا می‌شود.

### رنگ و فضا در داستان بر اساس ژانر گوتیک در رمان بیوه کشی

فضاسازی در داستان یعنی توصیف داستان متناسب با لحظه فکری عاطفی داستان. داستان نویس با توجه به داستان فضا را می‌سازد. به طور کلی فضاسازی به داستان رنگ و لعاب می‌دهد و داستان را جذاب می‌کند و آن را از یکنواختی نجات داده و خواننده را به سوی یک داستان جذاب راهنمایی می‌کند. « فضا و رنگ داستان، صرفاً بسته به تمایل و خواست نویسنده است و اینکه چطور بخواهد آن را به کار بگیرد. وقتی داستان کوتاه یا رمان خوبی را می‌خوانیم احساس خاص و مشخصی پیدا می‌کنیم که دنیای مخلوق داستان و فضا و رنگش در ما به وجود آورده است. اغلب هماهنگی و سازگاری موضوع با فضا و رنگ داستان موجب ایجاد این احساس می‌شود و از این نظر "فضا و رنگ" نیز باید در خور و متناسب با موضوع آن باشد». (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۵۹۲) فضای داستان در شکل‌گیری رمان‌های سیاه بسیار کارساز است. شخصیت‌ها و افکارشان در قالب فضایی متناسب طوری ادغام شده‌اند که بتوانند به پیشبرد اهداف نویسنده کمک کنند. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۹) فضاسازی در رمان‌های سیاه یا گوتیک شامل: مکان‌های تاریک و سرد و به مشام رسیدن بوهای بد و تند و صداهای حیوانات در شب تاریک، زوزه‌باد، تکان خوردن زمین و... که خصوصاً در رمان بیوه کشی در ایجاد وهم و ترس مؤثر بوده است.

**بو:** از عناصری است که در ایجاد فضا و همچنین روایت قسمت مهمی از داستان مؤثر است. خوابیده خانم در روزی که بزرگ کشته می‌شود از صبح آن روز تلخ، بوهای تندی به مشامش می‌رسد که بسیار او را آزار می‌دهد. «خوابیده برگشت توی اتاق، بوی تندی آمد توی مشامش. یعنی چی؟ این بو - از کجا بیایه؟» (علیخانی، ۱۳۹۵: ۱۸) خوابیده ظرف‌ها و رختخواب را بو کرد اما آن‌ها تمیز بودند. در هوای سرد پاییز تصمیم گرفت تمام رختخواب‌ها را بشوید. «این بوی لعنتی پس از کجا بیایه؟» (همان) می‌رفت تو اتاق و بغل به بغل رختخواب‌ها را می‌آورد و می‌ریخت توی ایوان... اما نمی‌دانست چیکار می‌کند. بو همچنان دماغ سوز بود. (همان: ۲۰) موقعی که «عطری» خبر مرگ «بزرگ» را آورد، خوابیده خانم بوی تند و آزاردهنده را نوک دماغش حس کرد. (همان: ۲۷)

**صدا و تاریکی:** از دیگر عناصر ایجاد ترس در رمان بیوه کشی وجود صداها و تاریکی هایی است که داستان در آنها رخ داده است. « خوابیده از کوچه تاریک سرازیر شد. فانوس دستش بود اما صدای چوچوهه شب را صدادار کرده بود و انگار می کردی یک لشگر، وحشیات دنبال سرشان هستند. عجب ناز دستش را بلند کرد که مادر، بغلش کند. خوابیده نخواست بغلش کند اما دید بچه، مدام ترس خورده، پشت سرش را نگاه می کند...» (همان: ۱۴۸) و هنگامی که دزد به گله زده بود و نی بزرگ مضطرب بود و صدایش شتاب داشت، زوزه حیوانات ایجاد فضای وهم آلود کرده بود. «زوزه شغالها هم بود که یکی عو می کشید و بعد شغال های دیگر جوابش را می دادند...» (همان: ۶۸)

بعد از مرگ بزرگ، خوابیده هنوز خانه پدرشوهرش بود و نگاه ها را سنگین حس می کرد یک شب ظرف های شام را برد لب جوی آب بشوید. «روبرویش باغستان شروع می شد و تاریکی بود و وهمی که از لای تاریکی می آمد بیرون. برگشت پشت سرش را نگاه کرد. عجب ناز، در اتاق را بغل زده بود و با التماس نگاهش می کرد... ترسان ترسان آمد. پرسید: تو نترسی بیایی اینجا؟ کجا؟ لب خوب. کوچک بگویی باغستانان پر از گرگه.» (همان: ۱۴۷)

صدای زوزه باد نیز در ایجاد فضای ترس کمک کرده است. بعد از کشته شدن بزرگ زمانی که پیل آقا آماده می شود به مقابله با اژدر، اژدرچشمه برود. باد تندی در گرفته بود « جوری گیس های درخت را می کشید که هرچه درخت سعی کرد، درشان بیاورد از چنگ باد، زوزه باد بلندتر شد و مشت مشت برگ بود که ریخت روی سر بچه ها. عجب ناز مات ملند. باد نبود انگار، افسار گسیخته هوایی شده که هرچه دم دستش می رسید، با خود بلند می کرد و عصبانی، آن سوی تر به زمینش می کوبید... آسمان قهرش بگرفته انگار!» (علیخانی، ۱۳۹۵: ۱۳۳) بچه ها از ترس می لرزیدند، خوابیده خانم دید که مادرشوهرش دارد می لرزد. در همین روز که باد «زوزه جان گیر» (همان: ۱۳۶) داشت، پیل آقا پدر خوابیده خانم با ورد و جادو به مقابله با اژدر مار رفت. فضایی که خواننده در این قسمت داستان ایجاد می کند یکی دیگر از فضاهایی است که در القا ترس کمک کرده است. پیل آقا وقتی با کلماتی سحرگونه قصد از بین بردن اژدرمار را دارد، خاکی بلند می شود و دهانش را پر از خاک می کند... «خاک بلند شد و پاشیده شد توی صورتش. صورتش را که گرفت. از لای انگشت هایش دید که زمین و زمان بلند شده و... سفره زمین تکان خورد و بلندش کرد مثل پرکاهی و محکم پرتابش کرد به پایین دره که تاجش کار می کرد راه بود و راه بود و بعد سنگلاخ و آن وقت پرتگاه.» (همان: ۱۴۰)

بعد از اتفاقاتی که برای خوابیده خانم پیش آمد می کرد و گویی انتهایی نداشت. شبی که عزیز قصد داشت از میلک برود... «شغالی زوزه کشید. صدای زوزه شغال دیگری آمد از باغستانان. شغال های دیگر هم آهنگ شدند با زوزه های اول و دوم. میلک اسیر زوزه ها شده بودند تا جایی که خوابیده خانم هم ترس خورده، پرده را چسبید و راه پنجره را بست...» (همان: ۲۴۱)

وقتی که نوروزعلی از خوابیده خانم می خواهد که باید زن برادر هفتم شوی تا قربانی هم جوان باشد و هم باکره.. تا بلا از میلک دور شود. « خوابیده خانم دیگر نشنید. زار می زد و توی کوچه می دوید... خوابیده خانم مثل سفیانی ها شده ها، مشت میزند به در و دیوار و زارش، در آسمان پیچیده. صدای رعد و برق بلند شد. گرومب. قطره های باران بی امان شروع کرده بودند به باریدن...» (همان: ۲۹۱)

و همچنین صدای گرگ ها در خواب های ترسناک خوابیده خانم. «صدا مهممه شد و بعد از هر طرف کوه، گرگی سربر آورد... گرگ ها هرچه نزدیک تر می شدند، گوسفندها و میش ها و بزها، جمع تر می شدند.» (همان: ۱۹۱)

**رنگ:** رنگ هایی که نویسنده رمان بیوه کشی برای ایجاد فضا سازی در ژانر گوتیک مورد استفاده قرار داده است، در ایجاد دلهره و ترس بسیار مؤثر است. اتفاقات هولناکی که در رمان رخ می دهد را با رنگ هایی تلفیق می کند و ایجاد ترس و وهم می کند چون مرگ، تغییرات جوی و... که با رنگ های سیاه و سرخ بازگو می کند. همچنان که نویسنده، زمستان سیاه را در دل تابستان بوجود آورده است. «وسط تابستان، آسمان میل کرد به باریدن؛ شد سیاه زمستان تمام این سال ها.» (همان: ۲۴۱) وقتی در زمانی به غیر از زمان اصلی اتفاق جوی می افتد، با خود وهم و نگرانی به همراه دارد. که از ویژگی های ژانر گوتیک است. ویا روزی که «بزرگ» کشته شد و هنوز نماز میت تمام نشده بود، نبی یکی از اهالی روستا گفت: «توی آسمان اسپری گردنه خون بنشسته.» (علیخانی، ۱۳۹۵: ۱۱۴) رنگ قرمز زمان غروب خورشید، در روزی که مرگ وحشتناکی رخ داده است در ایجاد اضطراب و ترس بسیار بجا آورده شده است. و همچنین کبوترهای سیاه اژدر نیز در داستان از نشانه های ایجاد ترس و وهم است. «اژدر سوت زد. کبوترها ماندند و بعد با اشاره دست اژدر رفتند توی دل چشمه گاو چشمه؛ کبوتران سفید. کمی که گذشت یک دسته کبوتر سیاه از دل چشمه بیرون آمدند. بعد دوباره

اژدر سوت زد و کبوتران رفتند داخل زردچشمه. چشم هم زدنی نشد که بال زنانی آتشین پر از چشمه در آمدند... صدای نعره ای بلند شد که سوختم!» (همان: ۲۲۸)

## نتیجه گیری

رمان سیاه یا گوتیک، در قرن هجدهم بوجود آمد و در قرن نوزدهم تغییر اساسی اما تدریجی داشت. و هنگامی که به عنوان نوع ادبی فراگیر، شناخته شد. سه عنصر فضای تیره و تار، وقایع مرموز و موحش و نیز حالات روانی نابه هنجار در ایجاد این ژانر ادبی مؤثر است. بیشتر رمان هایی که به این سبک نوشته شده است، ریشه در عشقی نافرجام دارد که با فضا سازی های نویسنده اتفاقات ترسناک نیز به آن اضافه شده است. رمان بیوه کشی نوشته یوسف علیخانی نیز با مضمونی عاشقانه و اتفاقات پیرامونی آن در ایجاد و القای ترس و وحشت به خواننده در این ژانر ادبی قرار می گیرد. مانند اکثر داستان های ژانر گوتیک این داستان زمان مشخصی ندارد و دارای مکان هایی مبهم است که در ایجاد ترس مؤثر بوده است. حادثه عجیب و غریب بلعیده شدن هفت برادر توسط اژدر چشمه که در این داستان اتفاق می افتد بر وهم آلود بودن داستان اشاره دارد. در این جستار به بررسی ادبیات گوتیک و مؤلفه های مهم داستانی آن از جمله: مکان و زمان داستان، شخصیت، پیرنگ و رنگ و فضا در رمان بیوه کشی پرداخته شده است.

## منابع

۱. باتیک، فرد، (۱۳۸۹)، گوتیک، ترجمه علیرضا پلاسید، تهران: نشر افراز.
۲. براهنی، رضا، (۱۳۶۸)، قصه نویس، تهران: نشر البرز.
۳. بی نیاز، فتح الله، (۱۳۸۲)، داستان گوتیک چیست؟ تهران: نشر ایران.
۴. داد، سیما، (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: نشر مروارید.
۵. سنپور، حسین، (۱۳۸۵)، ده جستار داستان نویس، تهران: چشمه.
۶. علیخانی، یوسف، (۱۳۹۵)، بیوه کشی، چاپ ششم، تهران: نشر آموث.
۷. کارنی، ریچارد، (۱۳۸۴)، در باب داستان، ترجمه سهیل سمی، تهران: نشر ققنوس.
۸. کراندل، آن شیور، (۱۳۸۶)، تاریخ هنر - سده های میانه، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
۹. فوستر، ادوارد مورگان، (۱۳۸۴)، جنبه های رمان، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر نگاه.



۱۰. مارگو، آیلین، (۱۳۸۴)، در قلمرو وحشت، ترجمه پریسا رضایی، تهران: نشر ققنوس.
۱۱. مقدادی، بهرام، (۱۳۹۳)، دانش نامه نقد ادبی از افلاطون تا به امروز، تهران: نشر چشمه.
۱۲. میرصادقی، جمال، (۱۳۸۸)، عناصر داستان، تهران: سخن.
۱۳. میریام، آلوت، (۱۳۶۸)، رمان به روایت رمان نویسان، ترجمه محمدعلی حق شناس، تهران: نشر مرکز.
۱۴. ولک، رنه، (۱۳۷۵)، تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، ج ۳، تهران: نشر نیلوفر.

## مقالات

۱. ثروت، منصور، (۱۳۸۲)، «مکتب رمانتیسیم»، مجله پیک نور، سال اول، شماره ۲.
۲. جرالداچ، هاگل، (۱۳۸۴)، «گوتیک در فرهنگ غربی»، ترجمه بابک تیرایی، مجله فارابی، دور-چهاردهم شماره ۳، صص ۵-۲۰.
۳. حسینی فاطمی، آذر؛ مرادی مقدم، مصطفی؛ یحیی زادگان، مزگان، (۱۳۹۲)، «گوتیک در ادبیات تطبیقی: بررسی برخی از آثار صادق هدایت و ادگار آلن پو»، فصلنامه مطالعه زبان و ترجمه، ش ۴.
۴. فیشر، بنجامین، (۱۳۸۷)، «ادگار آلن پو و سنت گوتیک»، ترجمه آرش طهماسبی، مجله گلستانه، شماره ۸۸، صص ۳۸-۵۳.
۵. نصر اصفهانی، محمدرضا؛ خدادادی، فضل الله، (۱۳۹۲)، «گوتیک در ادبیات داستانی»، مجله پژوهش های تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱ (پیاپی)، صص ۱۶۱-۱۹۱.